

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این مظلوم اراده نموده لوجه الله بر شما القا نماید آنچه را که سبب بقای ابدی و ذکر سرمدیست \* شکی نبوده و نیست که مقصود از آفرینش معرفت حقّ جلّ جلاله بوده \* حال باید خالصا لوجه المقصود انسان تفکر نماید که سبب اقبال نفوس بمشارق وحی و مطالع الهام در قرون و اعصار چه بوده و علّت اعراض چه \* اگر بعرفان اینمقام فائز شوی بکلّ خیر فائزی و از امواج بحر عرفان حقّ جلّ جلاله محروم نمائی \* ما سوی الحقّ را معدوم مشاهده کنی و مفقود بینی \* انسان چون بمقام بلوغ فائز شد باید تفحص نماید و متوکلا علی الله و مقدّسا عن الحبّ و البغض در امریکه عباد بآن متمسکند تفکر کند و بسمع و بصر خود بشنود و ببیند چه اگر ببصر غیر ملاحظه نماید از مشاهده تجلیات أنوار نیر عرفان الهی محروم ماند \* احزاب مختلفه در عالم موجود و هر حزبی خود را حقّ دانسته و میدانند بقوله تعالی ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ در خاتم انبیاء روح ما سواه فداه تفکر نمائید چون آن نیر حقیقی باراده الهی از افق حجاز اشراق نمود احزاب

اعراض نمودند و بر سفک دم اطهرش قیام کردند \* وارد شد بر انحضرت آنچه که عیون ملاً اعلی گریست و افنده مخلصین و مقربین محترق گشت \* باید در سبب و علت و اعتراض تفکر نمود \* حقّ جلّ جلاله میفرماید ﴿ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴾ و شکی نبوده و نیست که اگر مظاهر اوامر الهی و مصادر احکام ربّانی موافق و مطابق آنچه در دست قومست از اشارات ظهور و اخبار و نصوص ظاهر میگشتند احدی اعراض نمینمود بلکه کلّ فائز میشدند بآنچه که از برای او از عدم بوجود آمده‌اند و از نیستی بحت بات بطراز هستی مزین گشته‌اند لذا بر هر نفسی لازم است که بعدل و انصاف در امر الله ملاحظه نماید و تفکر کند \* علمای امامیه بر آنند که حضرت قائم موعود بعد از ظهور در بیت الله بکلمه نطق میفرمایند که نقبا از آن کلمه اعراض مینمایند و فرار اختیار میکنند \* اینکلمه ایست که آنحزب بآن مقرّ و معترفند \* حال در غفلت بعضی تفکر نمائید باعراض نقبا که بعد از ائمة باعتقاد خود ایشان اشرف عبادند قائلند و تصدیق مینمایند و در خود گمان نمیکنند که شاید این اعراض من غیر حقّ باشد \* باری ندای مظلوم و آنچه ذکر نموده بسمع انصاف بشنوید \* یظهر لک الحقّ و صراطه المستقیم \* در یک آن تفکر مینمایند که شاید آنچه

ظاهر شده حق باشد و این اعراض و اعتراضات از غفلت و جهل واقع شده باشد \* از حق میطلبیم شما را تأیید فرماید تا ببصر عدل و انصاف مشاهده کنید و تفرّس نمائید \* إِنَّهُ يَقُولُ الْحَقُّ وَ يَهْدِي السَّبِيلَ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْجَمِيلُ \* حضرت عیسی ابن مریم - علیه سلام الله و عنایته - بآیات واضحات و بیّنات باهرات ظاهر شد و مقصودش نجات خلق بوده \* هر منصفی شاهد و هر خبیری گواهیست آنحضرت از برای خود چیزی نطلبیده و نخواسته و مقصودش هدایت گمراهان بصراط مستقیم الهی بوده \* لکن وارد شد بر آنجمال اقدس آنچه که اهل فردوس نوحه نمودند و بقسمی بر آنحضرت امر صعب شد که حق جلّ جلاله باراده عالیه بسماء چهارم صعودش داد \* آیا سبب آنچه ظاهر شد چه بوده \* لَعَمْرُ اللَّهِ إِعْرَاضُ عِلْمَاءٍ \* چه که حنّان و قیافا که از فرّیسیین بوده‌اند یعنی علمای توراة مع علمای اصنام انکار نمودند و بسبّ و لعن مشغول گشتند \* و همچنین در حضرت کلیم و سائر انبیاء ملاحظه فرمائید شاید آنچه در این ورقه ذکر شده شما را بعرفان مذکور فائز فرماید و بکمال همت بر خدمت امر قیام نمائی قیامیکه از سطوت ظالمین مضطرب نشود و از اعراض علماء تغیر نیابد بشنو ندای این مظلوم را و از شمال وهم بیمین یقین توجّه نما و از مغرب ظنّ و گمان

بمشرق ایقان اقبال کن \* این مظلوم از اوّل آیام ما بین آیادی اعداء مبتلا  
 البتّه بعضی از بلا یای وارده را اصغا نموده‌اید \* بعنایت حق جلّ جلاله امام  
 وجوه خلق از علماء و أمراء من غیر ستر و حجاب آنچه سبب نجات و  
 راحت کل بود القا نمودیم \* هیچ امری از امور و هیچ شیء از اشیاء منع  
 نمود و حایل نگشت \* و حال هم در سجن أعظم لوجه الله ذکر نمودیم  
 آنچه را که از برای منصفین کتابیست مبین \* انظر ثمّ اذکر ما أنزله الرّحمن  
 فی الفرقان بقوله تعالی ﴿ ذَرَهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ﴾ امید آنکه از فضل  
 الهی باین کلمه فائز شوی و بآن عمل نمائی \* از ما سوی الله یعنی اموری که  
 سبب منع و علّت احتجابست بگذری و بآنچه سبب بلوغ و وصول است  
 تمسک جوئی \* امر عظیم است و مطلب بزرگ \* و یوم یومیست که  
 میفرماید ﴿ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُنْ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ  
 فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴾ امروز  
 روزیست آنچه در قلوب و نفوس مستور است ظاهر و آشکار شود \* در  
 نفوسیکه رایگان جان و مال را در سبیل محبت غنیّ متعال انفاق نموده‌اند  
 تفکر نمائید إنّهُ یهدیکِ إلی صراطه المستقیم و نَبَّه العظیم \* در حضرت نوح  
 و هود و صالح - صلوات الله علیهم - ملاحظه کن مقصود آن مشارق امر

چه بود و چه وارد شد \* این عبد از اهل علم نبوده و مدرسه نرفته و بر حسب ظاهر در بیت یکی از رجال دولت متولد شده و باو منسوب \* إِنَّ الأمر بيد الله رَبِّكَ رَبَّ العرش و الثرى و مالک الآخرة و الأولى \* لا مانع لأمره و لا دافع لحكمه يفعل ما يشاء و يحكم ما يريد و هو المقتدر القدير \*  
اسمع نداء المظلوم \* طَهَّرْ قلبَكَ بماء الإنقطاع و زَيْنَ رأسِكَ بأَكْلِيلِ العدل و هيكَلِكَ برداء التَّقوى و قل إلهى إلهى أشهد بوحدايتِكَ و فردانيتِكَ و اعترف بما نطقتُ به ألسن أنبيائك و رسلك و ما أنزلته فى كتبك و صحفك و زبرك و ألواحك \* أى ربّ أنا عبدك و ابن عبدك أشهد بلسان ظاهرى و باطنى بأنك أنت الله لا إله إلا أنت الفرد الواحد المقتدر العليم الحكيم \* آه آه يا إلهى من جريراتى العظمى و خطيأتى الكبرى و من غفلتى التى منعتنى عن التّوجّه إلى مشرق آياتك و مطلع بيناتك و عن النّظر إلى تجلّيات أنوار فجر ظهورك و مشاهدة آثار قلمك \* فآه آه يا مقصودى و معبودى لم أدّر بأيّ مصيبة من مصائبى أنوح و أبكى أنوح على ما فات عنى فى أيام فيها أشرق و لاح نير الظهور من أفق سماء إرادتك أم أنوح و أبكى عن بُعدى عن ساحة قربك إذ ارتفع خبأء مجدك على أعلى الأعلام بقدرتك و سلطانك \* كلّمّا زاد يا إلهى رأفتك فى حقّى و صبرك فى أخذى زادت

غفلتی و إعراضی \* قد ذکرنتی إذ كنت صامتا عن ذکرک و أقبلت إلیّ بمظهر  
نفسک إذ كنت معرضا عن التّوجّه إلی أنوار وجهک و نادیتنی إذ كنت  
غافلا عن إصغاء ندائک من مطلع أمرک \* و عزّتک قد أحاطتني الغفلة من  
کلّ الجهات بما اتّبعْتُ النّفس و الهوى \* فآه آه إرادتی منعتنی عن إرادتک و  
مشیتنی حَجَبْتنی عن مشیتک بحيث تمسّکتُ بصراطی تارکا صراطک المستقیم  
و نبأک العظیم \* ترى و تسمع یا إلهی حنینی و بکائی و ضجیجی و ذلّتی  
و بلائی \* آی ربّ هیکلّ العصیان أرادَ أمواجَ بحرِ غفرانک و عفوک و جوهرَ  
الغفلة بدایع مواهبک و الطافک \* فآه آه ضوضاء العباد منعتني عن إصغاء  
بیانک و نُعاقُ خلقک حَجَبْنی عن النّظر الی أفق أمرک \* و عزّتک أحبّ أن  
أبکی بدوام ملکک و ملکوتک فکیف لا أبکی أبکی بما مُنعتَ عینی عن  
مشاهدة أنوار شمس ظهورک و أُذنی عن إصغاء ذکرک و ثنائک \* و عزّتک  
یا إله العالم و سلطان الأمم أحبّ أن أُسْتَرَّ وجهی تحت أطباق الأرض و  
ترابها من خجلتی و بما اکتسبتُ أیادی غفلتی \* فآه آه كنتَ معی و سمعتَ  
منّی ما لا ینبغی لک و بفضلک سترتَ عنّی و ما کشفْتَ سوءَ حالی و  
أعمالی و أقوالی \* فآه آه لم أدْرِ ما قدرت لی من قلمک الأعلى و ما شاءتْ  
مشیتک یا مالک الأسماء و فاطر السّماء \* فآه آه أن یمنعني قضاؤک المحتوم

عن رحيقك المختوم \* أسألك بنفحات وحيك و أنوار عرشك و بالذی به  
تضوُّع عَرَفُ قميصك فی الحجاز و بنور أمرک الذی به أشرقت الأرضُ و  
السَّماء بأن تجعلني فی كلِّ الأحوال مقبلا إليك منقطعا عن دونك و  
متمسكا بجبلک و متشبثا بأذيال رداء جودك و كرمك و اختار لنفسی ما  
اخترته لی بعنايتك الكبرى و مواهبك العظمی یا من فی قبضتك زمام  
الأشياء لا إله إلا أنت ربّ العرش و الثرى و مالک الآخرة و الأولى \*